حاشیه

در متن و حاشیه فوتبال اروپا
آوازخوانی در چلسی

وصال روحانی

هفته پیش نوشتیم که آندری شوچنکو اوکراینی برای پیدا کردن جای پایی محکم در چلسی باید حتماً در بازی «دارت» هم استاد باشد و نیزه‌های کوچک را درست بر هدف و به طور دقیق بر سطح یک دایره چوبی بنشاند، ولی ماجرا به این سادگی ها هم نیست و قصه ادامه دارد. ماجرا را از زبان جو کول بشنویم: «یکی از رسوم جاری در چلسی این است که هر فرد تازه‌واردی به باشگاه باید حتماً آواز هم بخواند. وظیفه او این است که بیاید و در حضور سایر نفرات بنشیند و آوازی را که به آن علاقه و روی آن تسلط دارد، بخواند. فکر نکنید کار آسانی است. برعکس اعصاب‌تان را خرد می کند.

وقتی تازه به چلسی پیوستم، از من خواستند که این کار را بکنم. مقابل پرتجربه‌ها و نامداران وقت چلسی مثل دسایی و ورون نشستم و زدم زیر آواز. چنان گند زدم که چند لحظه بعد دیدم هر چه نزدیک دستشان بوده، به سمت من پرت کرده‌اند.

بطری‌های آب و نان‌های بسته‌بندی شده بود که روی سرم باریدن گرفته بود. شنیده‌ام که فقط کلود ماکلله از این قضیه جان سالم به در برده است، زیرا فرانسوی می‌خواند و آنها نمی‌فهمیدند که او چه می‌گوید!»

«شوا» که اخیراً از میلان به استنفورد بریج آمده است بهتر است از هموطنانش که جایزه موسیقی «یورو ویژن» امسال را بردند، چیزهایی را یاد بگیرند وگرنه همین امروز فردا است که کتک مفصلی را از یاران جدیدش بخورد.

■ **«قول»های دروغین «ژولی»**

لودویک ژولی مهاجم فرانسوی بارسلونا آنقدر طی ماه‌های اخیر قول داده و عمل نکرده که دیگر کسی به حرف‌های او اعتماد ندارد.

او چندی پیش وعده داد که اگر بارسا در جام قهرمانان اروپا به رتبه نخست برسد، سبیل خواهد گذاشت تا شباهت‌های او به فردی مرکوری خواننده گروه موسیقی کوئین (که سال‌ها پیش درگذشت) کامل شود. این شباهتی است که خیلی‌ها به آن معتقدند اما هرچه بود با این که بارسا اوایل خردادماه ۱-۲ بر آرسنال پیروز و قهرمان قاره سبز شد، حتی یک تار مو هم پشت لب مهاجم سابق موناکو سبز نشد. حالا نوبت وعده تازه‌ای از ژولی رسیده و او این بار قول داده است که اگر تیم کاتالونیایی فصل بعد مثل فصل پیش هم در لالیگا در صدر بایستد و هم در جام قهرمانان، سرش را از ته خواهد تراشید. کسی حرف او را جدی نمی‌گیرد، اما همه می‌خواهند بدانند چرا سبیل او سبز نشد. «دلیلش مشخص است. قیافه‌ام افتضاح خواهد شد.»

■ **آوازه‌خوانی با ضربه سر**

تبعات و ادامه ماجرای «سرزنی» زین‌الدین زیدان توی سینه مارکو ماتراتزی مدافع ایتالیا طی بازی فینال چندی پیش جام‌جهانی ۲۰۰۶ به حد و درجه‌ای می‌رسد که باعث شده عنوان پرفروش‌ترین ترانه روز فرانسه به اثری برسد که به این موضوع اختصاص دارد.

زیزو با انجام آن کار هم خودش اخراج شد و آخرین مسابقه عمرش را تلخ کرد و هم باعث شد تیم ملی فرانسه در جنگ ضربات پنالتی به ایتالیایی‌ها ببازد و مقام قهرمانی را از دست بدهد ولی آن قضیه چنان سروصدایی کرد که تمام جامعه جهانی را درنوردید و بدیهی است که ابعاد آن به ورزش منحصر نشود.

ترانه‌ای که فرانسوی‌ها طی آن واقعه مذکور را ترسیم کرده و آن را آهنگین ساخته‌اند، «ضربه سر» نام دارد و فقط در عرض ۳۰ دقیقه نوشته و سروده شده و یکی از سه هنرمندی که آن را نوشته و نامش سباستین لیپ ژیک است، می‌گوید: «ما فقط به این قصد این ترانه را سرودیم و اجرا کردیم که باعث انبساط خاطر دوستان خود شویم و اصلاً انتظار نداشتیم که این قدر بفروشد.»

ولی وصف این آهنگ زبان به زبان گشت و آنقدر از آن تعریف کردند که در یک چشم به هم زدن به صدر جدول پرفروش‌ها صعود کرد. این در حالی است که در ترجیع بند این آهنگ دائماً این جمله تکرار می‌شود: «زیدان کله زد ما جام را از دست دادیم!»

تیری چاسانی رئیس کمپانی موسیقی وارنر (شعبه فرانسه) می‌گوید: «همه این ماجراها به فاصله فقط دو سه هفته بعد از اتمام جام‌جهانی و سروده شدن یک آهنگ بسیار موفق پیرامون یک واقعه جام، یک چیز عجیب و بی‌سابقه در حرفه ما است.»

■ **آوازه‌خوان اصلی در مونیخ**

رابی ویلیامز خواننده بریتانیایی که علاقه و ریشه‌ای در ورزش فوتبال هم دارد و قسمتی از سهام باشگاه پورت‌ویل انگلیس را که متعلق به زادگاه مربی است در تملک خود دارد، هفته پیش سری به باشگاه بایرن مونیخ زد و سه کنسرت هم در محل ورزشگاه قدیمی المپیک مونیخ برگزار کرد. استقبال زیادی از این کنسرت‌ها صورت گرفت و بازیکنان بایرن هم در محل حضور یافتند و برای او کف زدند.

در حالی که در نوکمپ هنوز صحبت بر سر شبیه بودن یا نبودن ژولی با فردی مرکوری جریان دارد، در باواریا هیچ‌کس قصد قیاس ویلیامز را با میشائیل بالاک ندارد، زیرا از وقتی کاپیتان تیم ملی آلمان به لندن رفته و عضو چلسی شده، هر روز که به در باشگاه بایرن می‌رود و یک نفر به داخل می‌آید، همه می‌گویند برای جانشینی بالاک آمده است!

حرف آخر را «اولی هوینس» می‌زند. مدیر داخلی قدرتمند بایرن می‌گوید: «ما از ویلیامز خواسته‌ایم که یک آواز اختصاصی برای ما بخواند. چیزی بیش از این را از او نمی‌خواهیم.»

با این حال شوچنکو بدش نمی‌آید که ویلیامز برای یک روز هم که شده به عنوان جانشین و بدل او به استنفورد بریج برود و آنجا «چه‌چه» بزند!

منبع: **Uefa**

مسی با لبخند به استقبال آینده می‌رود
بارسا بدون رونالدینیو هرگز

ترجمه: سیدمحمد حسینی

این بازیکن آرژانتینی جام جهانی گذشته را به دست فراموشی سپرده و امیدوار است فصل آتی بتواند با تمام وجود در اختیار تیم اصلی بارسا باشد.

چهارشنبه گذشته لیونل مسی نشانه‌هایی از خود نشان داد حاکی از آنکه یار قسم‌خورده بارسلونا در ترکیب اصلی این تیم خواهد بود. همان‌طور که انتظار آن می‌رفت، مسی پس از پرواز از وطنش آرژانتین و رسیدن به اسپانیا تن به انضباط تیم آبی- اناری سپرد.

مسی با سر و صدای زیادی خود را در تروفئو خوان گامپر به همگان شناساند، در استنفوردبریج مردم را از تعجب انگشت به دهان کرد و در سانتیاگو برنابئو هرچه که در چنته داشت رو کرد. با این وجود مصدومیتی بسیار بی‌موقع بین این مستعدترین بازیکن آن دوره و میادین فاصله انداخت، در فینال پاریس بازی نکرد و در جام جهانی ۲۰۰۶ نیز نتوانست در کسوت تیم ملی آرژانتین مهارت خود را به رخ حریفان بکشد. او آلمان را با چهره‌ای غمگین ترک کرد، غمگین از اینکه طعم حتی یک لحظه از زمانی که می‌توانست از بازی خود لذت ببرد را نچشید.

این بازیکن اما امروز دوباره می‌خندد و با خوشبینی به ملاقات آینده می‌رود.

■■■

■ **تعطیلات چطور بود؟**

خیلی خوب، راستش از همه چیز بریدم، حتی از فوتبال و به طور کامل از تعطیلات لذت بردم. و بسیار خوشحالم از اینکه بعد از مدت نسبتاً زیادی تعطیلات در حال تمرین هستم.

■ **تیم چطور است؟**

آن هم خیلی خوب، درست مثل موقعی که فصل را تمام می‌کنیم. آن سال را خوب تمام می‌کنیم و حالا دوستان و رفقا را دقیقاً همان‌طور که در لحظه خداحافظی بودند دیدم؛ قبراق و سرحال.

■ **هنوز از نتیجه‌تان در جام جهانی ناراحتید؟**

همه چیز تمام شده است. حالا فقط به یک پیش‌فصل خوب فکر می‌کنم. چون به خاطر یک آسیب‌دیدگی مدت زیادی در حاشیه مانده‌ام.

■ **هدفتان دوباره همان رسیدن به فینال و اول شدن است؟**

بله، بازی فینال و برنده شدن در آن همیشه هدف است، اما الان فقط به یک پیش فصل خوب فکر می‌کنم که مناسب من است چون همان‌طور که گفتم مدت زیادی است از میادین دور بوده‌ام. واضح است که به سکو فکر می‌کنم اما قدم به قدم و آهسته پیش می‌روم.

■ **جیووانی دوس سانتوس در این پیش فصل حرف زیادی برای گفتن دارد، به نظر شما می‌تواند در ترکیب اصلی قرار بگیرد؟**

البته، او دارد نشان می‌دهد بازیکن بزرگی است، کیفیت بازی بالایی دارد و یقیناً در زمان کوتاهی در جمع ما خواهد بود.

■ **چه پیشنهادی برای او دارید؟**

خب . . . ، همان چیزهایی که به من گفتند، اینکه آهسته پیش برود، فوتبال بازی کند و مثل همیشه لذت ببرد.

■ **نظرتان در مورد آخرین خریدهای تیم، مثل تورام و زامبروتا چیست؟**

بازیکنان جدید همیشه خوب هستند. نمی‌شود منکر این شد. فوتبالیست‌های زیادی در دنیای فوتبال می‌آیند و صدالبته برای ادامه روش موثر بازی ما به درد می‌خورند.

■ **در طول تمرین زیاد دیده شده با ساویولا صحبت کنید، درباره موقعیت او چه می‌گویید؟**

ترجیح می‌دهم وارد این بحث نشوم. او هم تیمی من است و با ما تمرین می‌کند. تنها چیزی که می‌توانم بگویم این است که او یک بازیکن بسیار خوب است.

■ **از لحاظ روحی چطور بود؟**

خوب. آرام بود. واقعاً میل دارد از قبل بداند آینده‌اش چه خواهد شد، اما خیلی خوب است.

■ **این فصل رقابت بر سر شش عنوان است. کار زیادی است؟**

بله، اما فصل قبل هم مسابقات زیادی داشتیم و بعد هم جام جهانی. هر سال مسابقات زیادی هست و همان‌طور که اوایل پارسال گفتیم مثل همیشه عناوین مختلف هدف ما هستند.

■ **اهداف شخصی شما چیست؟**

خوب تمرین کردن، بازی در تمام مسابقات و در صورت محقق شدن آن، در اختیار تیم گذاشتن تمام آنچه که دارم، تلاش برای انجام هرچه بهتر کارها یعنی کاری که همیشه می‌کنم.

■ **ایتالیایی‌ها می‌گویند که رونالدینیو را خریده‌اند، به نظر شما بارسای بی رونالدینیو قابل تصور است؟**

نه، اصلاً، رونالدینیو در بارسا خیلی مهم است. بدون او اوضاع خیلی فرق می‌کند. نمی‌توانم بارسا را بدون رونی تصور کنم.

لیونل مسی در کمپ تمرینی بارسا در مکزیک

آرزوهای میکل در چلسی
پایان یک داستان غم‌انگیز

سهیل نوری پناه: ژوزه مورینیو در مورد او می‌گوید: «دو سال شکیبا باشید و پس از آن او را در قامت بهترین فوتبالیست جهان خواهید یافت.» صحبت از «جان اوبی میکل» است. جدیدترین استعداد قاره سیاه که به نقل از «مت هیوز» خبرنگار تایمز داستان زندگی‌اش را می‌توان به دست کارگردانان هالیوودی سپرد تا اثری پرفروش از کار درآید. چلسی برای به چنگ آوردن او توانست نظر مساعد دو باشگاه «لین اسلو» نروژ و «منچستریونایتد» را جلب کند و با پرداخت ۱۲ میلیون پوند به یونایتدها بابت غرامت و ۴ میلیون پوند به باشگاه نروژی هافبک ۱۹ ساله و یک متر و ۹۰ سانتی‌متری را در اختیار بگیرد. اما شاید نخستین واژه‌هایی که با یادآوری نامش به ذهن خطور می‌کند، نامه‌های تهدیدآمیز و تمام‌نشدنی که بوی مرگ و انتقام از آنها به مشام می‌رسید، آدم‌ربایی و نیز جنجال و درگیری باشد. سناریویی طولانی که بیشترین بخش‌های آن حول محور تحولات و رخدادهای دو سال اخیر می‌چرخد. حال او در لس‌آنجلس، یعنی جایی که «چلسکی»ها اردوی آماده‌سازی و البته تجاری خود را برپا کرده‌اند، با به تن کردن پیراهن آبی با تمام کابوس‌ها و مصیبت‌های دو سال اخیر وداع کرده و امیدوار است با حامی بزرگی چون ژوزه مورینیو که او را بزرگترین استعداد کنونی فوتبال می‌پندارد، بدل به فوتبالیستی بزرگ و ارزشمند در چند سال آینده شود. اما میکل چگونه سربرآورد و چه شد که تا به این اندازه آنچنان صید باارزش و گرانبهایی باشد که دو باشگاه چلسی و من یونایتد برای به دام انداختنش - حتی از مراجع قانونی و انضباطی مدد گیرند. سه سال پیش در رقابت‌های جام‌جهانی جوانان زیر ۱۷ ساله‌ها در کشور فنلاند بود که میکل به همراه تیم کشورش نیجریه نامش دهان به دهان چرخید. نمایش و عملکرد قابل توجه او که در آن برهه خیلی از استعدادیاب‌های تیزبین باشگاه‌های بزرگ او را زیر نظر گرفتند موجب شد تا آن رقابت‌ها برای او یک سکوی پرتاب مطمئن برای رسیدن به بزرگترین باشگاه‌های اروپایی باشد. همان شد که انتظارش می‌رفت. هر چند در آن برهه جز چند استعدادیاب و یا پدیده‌یاب، کسی خبری از او نداشت و یا اگر داشت، آنچنان او را جدی و مهم تلقی نمی‌کردند، اما میکل هنگامی دامنه آوازه‌اش وسیع‌تر شد که با سران منچستریونایتد در سال ۲۰۰۴ به توافق رسید. آن هنگام، یعنی تا قبل از توافق محرمانه و خصوصی‌اش با شیاطین سرخ- آن هم در نبود مدیر برنامه‌ها و وکیلش- نوجوان نیجریه‌ای رسماً بازیکن «لین اسلو» نروژ تلقی می‌شد. تا این قسمت، این داستان چندان جذاب و هیجان‌انگیز جلوه نمی‌کند. اما سناریو هنگامی بوی یک داستان تریلر به خود می‌گیرد که بدانیم که این ماجرا یک قطب دیگری نیز به خود می‌بیند و آن غولی چون چلسی است که مدت‌ها علاقه خود به این استعداد ناب را علناً ابراز داشته و خیلی سخت می‌توانند چنین شکستی، آن هم از رقیب همیشگی‌شان یعنی یونایتد، را هضم کنند. بله چلسی طرف اصلی این ماجرا بود. سران این تیم لندنی، از مدت‌ها قبل حتی در زمانی که او در نروژ بازی می‌کرد، متقاعد شدند تا هزینه و مخارج تحصیل و زندگی‌اش را - جدا از حقوقی که او هفتگی از باشگاه نروژی دریافت می‌کرد- بپردازند. البته تا زمانی که او به سن ۱۸ سالگی می‌رسد و آن وقت به طور رسمی می‌توانند برای بستن قرارداد قانونی و رسمی با او وارد مذاکره شوند. «در فوتبال انگلستان تا قبل از ۱۸ سالگی نمی‌توان فوتبالیستی را از خارج از این کشور با قراردادی رسمی به خدمت گرفت.» تصورش کمی سخت است؟ اینکه باشگاهی به عظمت و ثروت چلسی، آنان که می‌توانند هر فوتبالیستی که نظرشان را جلب کرد به خدمت گیرند، آنچنان با توان و نبوغ نوجوان نابالغی چون میکل- در آن برهه - به هیجان آمده‌اند که حتی آمادگی خود را از ارائه امکانات مادی و رفاهی و پدیدآوردن موقعیت‌های گوناگون برای او در نروژ علناً اعلام می‌دارند. پس می‌توان شدت انزجار و خشم سران چلسی و کسانی که خود را در این ماجرا غرق شده می‌پندارند از سرانجام این سناریو درک کرد. این چلسی در آن هنگام چنین شکستی را عادی برنمی‌تابد، نکته‌ای است که نمی‌توان آن را جدی نگرفت. بستن قراردادی محرمانه و خصوصی با «من یونایتد» و حتی گرفتن عکسی تبلیغاتی و رسانه‌ای با پیراهن این باشگاه منچستری، در دیوانه ساختن چلسی، از سرانجام این ماجرا نقشی مهم ایفا کرد. هنگامی که اینگونه ماجرا پیش رفت، نامه‌های متوالی و زنجیره‌ای که مضمون کلی آنها تهدید و انتقام بود به دست او رسید. حتی در بعد وسیع‌تر -بعدها - خبر آن نیز در اختیار رسانه‌ها قرار گرفت. اینکه نامه‌ها از سوی چه کسی و خط داده شده از چه نهادی بود، هنوز که هنوز است نامشخص و به رنگ خاکستری مانده است. خب گرچه طبیعی است. یکی از جالب‌ترین اتفاقاتی که در طول این دو سال اخیر و پس از اعلام رسمی توافق او با یونایتد رخ داد، ناپدید شدن او، درست پیش از بازی مهم باشگاهش- لین اسلو - در جام حذفی نروژ بود. در شرایطی که در آن مسابقه لین، به حضور او نیازی وافر داشت، به یک‌باره مانند شبحی ناپدید شد و آنجا بود که خیلی‌ها را بر آن داشت تا این تلقی را که شاید او به دست آدم‌ربایان موقتاً گرفتار شده است، به اذهان راه دهند. کابوس‌مانندتر از این دو سال را نمی‌توان برای او حتی در آینده‌ای نامعلوم متصور شد.

> **نکته**
>
> **در این دو سال اتفاقات وحشتناکی برایم رخ داده. دیگر آن نامه‌های لعنتی که مرا تهدید به قتل می‌کردند و داستان آن آدم‌ربایی کذایی به گذشته تعلق دارند. حال باید به فکر زندگی آینده‌ام باشم. همیشه در آن برهه، با یک حس خوش‌بینانه گمان می‌کردم که روزی نیز اتفاقی که همیشه رویایم بود به وقوع خواهد پیوست. حال در چلسی، جایی که همیشه حضور در این جا را رویای خود می‌پنداشتم، به آرامش رسیده‌ام. همیشه دوست داشتم روزی بازیکن این باشگاه شوم. اکنون که آن کابوس‌ها تمام شده، می‌توانم با فکری باز و آرامشی واقعی به زمین مسابقه بروم و بهترین نمایش را ارائه دهم.»**

اینکه او چگونه سر از چلسی درآورد و اینکه با چه منطقی باید صحبت‌هایش را وقتی می‌گوید: «رویای همیشگی من حضور در چلسی بوده است» را باور کنیم. مورینیو، با سخنانش، حتی معتقد است تا دو سال آینده می‌توان بهترین بازیکن جهان فوتبال را در مجموعه‌اش، چلسی، یافت و او کسی جز جان اوبی میکل نخواهد بود. پس از این ماجرا لین اسلو، نخستین باشگاه اروپایی‌اش، در کمیته قضایی فیفا، از میکل شکایت کرد. اینکه او به‌رغم آنکه در قبال قراردادش هنوز به باشگاه متعهد بود، چگونه توانست مخفیانه و اسرارآمیز با سران من یونایتد به گفت‌وگو بنشیند و چرا خودسرانه، خود را یک یونایتدی پنداشت. . . همین موجب شد فیفا حق را به باشگاه نروژی بدهد و میکل، کسی که حتی وکیلش را نیز در هنگام عقد قرارداد با یونایتد در بی‌خبری محض قرار داده بود، از حضور در میادین فوتبال تا یک سال محروم شود و در این برهه بود که کابوس میکل در این مدت برایش ملموس‌تر و آشکارتر شد. در این زمان، باشگاه چلسی توانست با بهره‌گیری از چنین بستری با مقامات یونایتد - که نقره داغ شده بودند - و نیز لین اسلو وارد مذاکره شود. با پرداخت ۴ میلیون پوند به باشگاه نروژی و نیز ۱۲ میلیون پوند به یونایتد بابت غرامت، سرانجام میکل را به چنگ خود درآوردند. اما با اینکه میکل اکنون خود را جدا شده از آن بحران‌ها و تنش‌ها و تب و تاب‌ها می‌بیند اما هنوز از پشت پرده این ماجرا سخنی به میان نمی‌آورد. اما حال نکته اینجاست، میکل که در یک سال اخیر حضور در هیچ میدان فوتبالی را تجربه نکرده- جز جام ملت‌های آفریقا در مصر- چگونه می‌تواند آمادگی و قابلیت‌های گذشته‌اش را - که به‌واسطه همان ویژگی‌ها موفق شد چشم‌های دو غول بریتانیا را به خود خیره کند- حفظ کند. او به نرمی و آرامش که خرسندی از شرایط جدیدش را می‌توان آشکارا لمس کرد می‌گوید: «در این دو سال اتفاقات وحشتناکی برایم رخ داده. دیگر آن نامه‌های لعنتی که مرا تهدید به قتل می‌کردند و داستان آن آدم‌ربایی کذایی به گذشته تعلق دارند. حال باید به فکر زندگی آینده‌ام باشم. همیشه در آن برهه، با یک حس خوش‌بینانه گمان می‌کردم که روزی نیز اتفاقی که همیشه رویایم بود به وقوع خواهد پیوست. حال در چلسی، جایی که همیشه حضور در این جا را رویای خود می‌پنداشتم، به آرامش رسیده‌ام. همیشه دوست داشتم روزی بازیکن این باشگاه شوم. اکنون که آن کابوس‌ها تمام شده، می‌توانم با فکری باز و آرامشی واقعی به زمین مسابقه بروم و بهترین نمایش را ارائه دهم.» او حرف‌های دیگری نیز دارد: «محرومیتم از میادین؟ خب سخت بود اما در یک سال گذشته وقتی دیگر اجازه حضور در «لین اسلو» را نیافتم به کشورم، نیجریه، بازگشتم و در باشگاهی که مرا پروراند یعنی «پلاتیو یونایتد» تمرین می‌کردم که تا از لحاظ بدنی افت نکنم. اگر این کار را نمی‌کردم، معلوم نبود برای حضور در تمرینات چلسی باید چه مصیبت‌ها و رنج‌هایی را متحمل می‌شدم. حال می‌توانم ادعا کنم که به مدد آن تمرینات منظم در نیجریه آمادگی‌ام در همان فرم قبلی باقی مانده و هیچ چیز دگرگون نشده است.»

نه ما و نه میکل نمی‌توانیم در مواجهه با چنین ماجرایی رویاپردازانه به زوایا و عواقب آن بنگریم. چلسی با افزودن میشائیل بالاک که کمربند خط میانی‌اش و حضور دیگر هافبک‌های بزرگ اروپا یعنی فرانک لمپارد، کلود ماکلله و نیز مایکل اسین، ترافیک سرگیجه‌آوری را شکل داده و اگر مورینیو از سنت دو ساله‌اش در چلسی- که بازی کردن با سه هافبک با شیوه‌ای مثلثی و دو بال سرعتی و تکنیکی و ریزنقش در جناحین و یک مهاجم نوک بود- دست نکشد و باز به آن وفادار باشد تصور اینکه میکل در فصل جاری حداقل در نیمی از بازی‌های چلسی به میدان رود کمی خیال‌پردازانه جلوه می‌کند. آن هم در شرایطی که بدانیم او نیز بسان لمپارد و بالاک از جنس هافبک‌های گلزن و تهاجمی- هر چند میل و عطش او برای نفوذ بیش از لمپارد و کمتر از بالاک می‌نماید- به حساب می‌آید و کنار زدن این دو در آرمانی‌ترین شرایط شان کاری است به غایت سخت، که نیاز به فروغ حیرت‌انگیزش در همان اندک مجال‌های پدید آمده را طلب می‌کند. اما گذشته از اینها نمی‌توان نسبت به اظهارنظر «مرد ویژه» بی‌اعتنا بود. «دو سال دیگر به او بنگرید. در آن برهه او برترین فوتبالیست دنیا خواهد بود.»

جان اوبی میکل در اردوی چلسی در لس‌آنجلس در حال دادن امضا به هواداران این تیم

خبرها

اسکوربورد

لوشامپیونا، هفته اول: نانت ۱ - لیون ۳
نورالدین بوکاری (۴) برای نانت
کریم بنزما (۵)، سباستین اسکیلاچی (۶۳)
فرد (۸۸) برای لیون.

امروز در فوتبال اروپا

لوشامپیونا، هفته اول، ساعت ۱۹/۳۰:
سدان - المپیک مارسی

اونیل مربی آستون ویلا

مارتین اونیل مربی سابق سلتیک که این تیم را قهرمان اسکاتلند کرده بود به عنوان مربی آستون ویلا برگزیده شد. این ایرلندی ۵۴ساله پس از مذاکره با داگ الیس رئیس باشگاه آستون ویلا قراردادی یک‌ساله با این تیم امضا کرد. آستون ویلا فصل گذشته در رده شانزدهم جدول لیگ برتر انگلیس قرار گرفت. باشگاه آستون ویلا موافقت کرده است که اونیل، جان رابرتسون و استیو والفورد دستیاران خود را نیز به آستون ویلا ببرد. اونیل پس از امضای قرارداد به هانوفر آلمان محل تشکیل اردوی پیش از فصل آستون ویلا سفر کرد.

رئال به دنبال دیارا

روزنامه اسپانیایی AS روز گذشته خبر داد که پرداگ میاتوویچ مدیر ورزشی رئال قرار است به فرانسه سفر کند تا با مسئولان باشگاه لیون برای انتقال محمدو دیارا هافبک این تیم به مادرید مذاکره کند. این روزنامه می‌نویسد: «کاپلو به میاتوویچ گفته است که بیش از این برای امضای قرارداد با کاکا فشار نیاورد و توجه خود را به دیارا هافبک لیون معطوف کند.» دیارا هافبک اهل مالی نسبت به حضور در رئال ابراز علاقه کرده است. باشگاه لیون به رئالی‌ها اعلام کرده که برای جذب او باید ۱۷ میلیون پوند پرداخت کنند که مورد موافقت رامون کالدرون رئیس رئال قرار گرفته است. میاتوویچ قرار است روز سه‌شنبه برای نهایی کردن این قرارداد با مدیر برنامه‌های دیارا و مدیران لیون مذاکره کند.

اصرار برای تمدید قرارداد

روبرتو د آسیس برادر و مدیر برنامه‌های رونالدینیو قصد دارد بارسا را مجبور کند که قرارداد این ستاره برزیلی را تا سال ۲۰۱۴ تمدید کند. دلیل این تصمیم برادر رونالدینیو نیز آمادگی میلان برای ارائه پیشنهادی ۷۰میلیون پوندی (حدود صد میلیون یورو) برای به خدمت گرفتن رونالدینیو است. پیش از این ابراز علاقه چلسی برای خرید رونالدینیو باعث شد تا بارسا قرارداد ستاره ۲۶ساله خود را تا سال ۲۰۱۰ تمدید کند. از سوی دیگر خوان لاپورتا در مورد پیشنهاد وسوسه‌انگیز میلان می‌گوید: «نگرانی ندارم و می‌دانم که رونی در نوکمپ بسیار راحت است. به علاوه در روزنامه‌ها خواندم که میلانی‌ها اخبار منتشر شده در مورد ارائه چنین پیشنهادی را تکذیب کرده‌اند.»

شکست سنگین لیورپول

لیورپول در آخرین بازی دوستانه خود قبل از آغاز فصل جدید لیگ برتر شکست سنگینی را مقابل ماینتس متحمل شد. ماینتس روز جمعه موفق شد قهرمان سابق اروپا را با پنج گل درهم بکوبد. جالب اینجا است که در این بازی لیورپول تمام بازیکنان اصلی خود را در اختیار داشت. این بازی در نیمه اول با تساوی بدون گل به پایان رسید اما در نیمه دوم ماینتس پنج بار دروازه لیورپول را باز کرد. سه گل از این پنج گل در پنج دقیقه پایانی بازی به ثمر رسید. لیورپولی‌ها پس از این بازی جیمی کاراگر را به عنوان بهترین بازیکن خود انتخاب کردند. پیش از این لیورپول در دو بازی دوستانه مقابل کایزرسلاترن و گراس هاپرز شکست خورده بود. لیورپول آخر همین هفته در مرحله مقدماتی لیگ قهرمانان اروپا باید به مصاف مکابی حیفا از اسرائیل برود.

ریس در لیگ قهرمانان بازی نمی‌کند

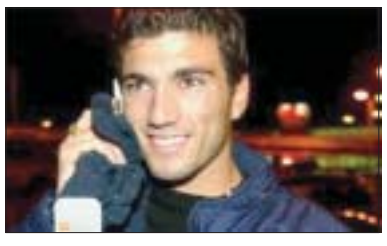

خوزه آنتونیو ریس بازیکن اسپانیایی آرسنال قصد ندارد این هفته در بازی آرسنال مقابل دینامو زاگرب در مرحله مقدماتی به میدان برود. دلیلش هم مشخص است. اگر ریس در این بازی حضور پیدا کند در صورت انتقال به رئال مادرید اجازه بازی در لیگ قهرمانان را نخواهد داشت. ریس که در روزهای اخیر گفته است دلش برای اسپانیا تنگ شده و دوست دارد به رئال مادرید برود می‌گوید: «آرسن ونگر تاکنون با من صحبتی نکرده و نمی‌دانم که در بازی مقابل دینامو زاگرب به میدان می‌روم یا نه. اما امیدوارم بازی نکنم تا انتقالم به رئال کنسل نشود. البته فکر می‌کنم تا قبل از این بازی وضعیتم مشخص شود.»